

اصول بنیادی فقه سیاسی در سیاست خارجی نظام اسلامی

مهدی صیاد شیرازی *

فرزاد محمدی **

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۲۱

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۲

چکیده

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود دارای نظام ارزشی برگرفته از دستورها و مبانی اسلامی است و شاهد تغییرات رفتاری - ارزشی در سیاست خارجی پس از انقلاب بوده‌ایم. این تغییرات ناشی از رهنمودهایی بود که امام خمینی (ره) در احکام و فرمانها، پیامها و توصیه‌ها، مکتوبات، سخنرانیها و مصاحبه‌ها در مواضع و مواقع مختلف بیان کردند. به تعبیر دیگر سیاست خارجی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی براساس ارزشهای انقلاب تغییر ماهیت داد و بر مبنای اسلام استوار شد. با پدید آمدن انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، حرکت به سمت اجرای قوانین اسلامی آغاز، و فقه سیاسی در پی‌ریزی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل تأثیرگذار، و از همان ابتدا مسیری به سمت استقلال ملی باز شد. امروزه فقه سیاسی شیعه با ورود عملی و محسوس فقیهان در امور اجتماعی - سیاسی، با تجربه‌ای نو و جدید روبرو است. اقتضات دوران جدید، پس از مشروطه و بویژه تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این امر را از اهمیتی دوچندان برخوردار کرد و فقه سیاسی شیعی را محل تأملات و پرسشگریهای فراوان قرار داد. در واقع سؤال و هدف اصلی مقاله تبیین کاربردهای اصول بنیادی فقه سیاسی در سیاست خارجی نظام اسلامی با استفاده از روش تحلیلی، و بررسی متون مورد مطالعه فقهی است. یافته‌ها بیانگر آن است که اصول فقهی که می‌تواند به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذاری نظام اسلامی مورد استفاده قرار گیرد شامل اصل تألیف قلوب، اصل مصلحت، اصل دعوت، اصل افزایش توان و قدرت، اصل وفای به عهد، اصل تقیه، اصل ولایت فقیه و اصل عدالت است.

کلیدواژه‌ها: فقه سیاسی، سیاست خارجی، نظام اسلامی، انقلاب

* نویسنده مسئول: دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

** کارشناس ارشد علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه همدان، همدان، ایران

hirazi1399mehdi@gmail.com

farzad_mu@yahoo.com

مقدمه

بعد از جنگ سرد و رشد فرایند جهانی‌شدن، پارادایم جدیدی در روابط بین‌الملل بر محوریت دین و معناگرایی در نظام بین‌الملل شکل گرفت که در این فرایند (جهانی‌شدن)، ادیان بزرگ و بویژه دین اسلام در ابعاد مختلف زندگی بشری (اقتصاد، فرهنگ و سیاست) و همچنین معادلات نظام جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شدند. این بازگشت دین به عرصه نظام بین‌الملل باعث شد تا این موضوع از دیدهای گوناگون و جدیدی مورد مطالعه دانشگاهیان، دانش‌پژوهان و صاحب‌نظران مختلف قرار گیرد. در این میان، اسلام با داشتن عوامل قدرتی مهم و تأثیرگذار در عرصه سیاست بین‌الملل، مهمترین دین مطرح در این مباحث فکری به‌شمار می‌رود (ابراهیمی، ستوده و شیخون، ۱۳۸۹: ۱۷).

از دیدگاه اسلام، سیاست ابزاری در دست انسان است که اگر به استیلاي غرایز و قوای شهوانی انسان بینجامد، فاقد ارزش است و اگر این ابزار برای برتری و سیادت قوای عاقله و یا به عبارت بهتر، حاکمیت فطرت انسانی به کار گرفته شود درخور توجه است. بنابراین، ماهیت سیاست صرفاً پدیده‌ای اخلاقی و نیز واقعیتهای آکنده از شرور و تباهی نیست؛ بلکه ماهیت دوگانه‌ای دارد که در یک طرف آن، عقلانیت، اندیشه و رفتاری مبتنی بر مصلحت وجود دارد و در طرف دیگر، قدرت‌طلبی، حسادت و فزون‌خواهی. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، چرخش اساسی در مبانی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل کشور ایجاد شد به گونه‌ای که ما شاهد حاکم‌شدن اصول و قواعد فقه سیاسی بر مجموعه روابط بین‌المللی ایران هستیم؛ به عبارتی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از فقه سیاسی یا همان علم به احکام شرعی فرعی مربوط به نظم عمومی در داخل و قواعد تنظیم روابط خارجی از روی دلایل تفسیری آن، سیاست خارجی مبتنی بر اسلام خود را تعریف و اعمال کرده است (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۲۰۷).

این گفتمان تازه‌تولد یافته انقلابی از یک سو به باز تعریف مفاهیم اساسی در عرصه سیاست داخلی و خارجی (همچون اهداف ملی، منافع ملی، مصالح ملی، قدرت ملی، ارزشهای ملی و...) پرداخت و ملاکهای متفاوتی برای خودیها و دیگرها در عرصه ملی و فراملی به دست داد و از جانب دیگر، گفتمان مسلط جهانی را به چالش طلبید؛ نظم حاکم بر مناسبات و روابط بین‌المللی را مورد تهدید قرار داد؛ کانونهای متعدد مقاومت را در برابر قدرت هژمونیک جهانی بسیج، و

متغیرهای بی‌بدیلی را به کالبد سیاست بین‌الملل تزریق کرد (تاجیک و فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۶۲ - ۶۱).

بیورلی میلتون ادواردز^۱ در کتاب «سیاست و حکومت در خاورمیانه» بیان کرده است: «انقلاب اسلامی طلایه‌دار عصر جدید سیاست اسلامی در جهان اسلام بوده و عواملی همچون انقلاب، حکومت دینی و الگوی ایرانی در فهم اسلام سیاسی، سیاست خاورمیانه و هویت سیاسی منطقه در قرن بیست و یکم بسیار مهم تلقی شده است (ادواردز، ۱۳۸۲: ۱۵۹). از آنجا که اسلام شیعه به صورت رسمی ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی ایران تعیین شده، طبیعی است که الگوی سیاست خارجی آن نیز تابعی از فقه سیاسی و سنتهای برخاسته از عبارت‌شناسی (ترمینولوژی) تاریخ اسلام باشد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۴۶).

مباحث فقه سیاسی به قلمرو روابط بین‌الملل و سیاسی خارجی نیز امتداد دارد. امروز استادان روابط بین‌الملل دانشگاه و حوزه با علم و تحقیقات لازم، رابطه‌ای میان این دو یعنی سیاست خارجی نظام اسلامی و فقه سیاسی برقرار کرده‌اند و محور اصلی نظریه مرتبط با آن دو را نظریه اسلامی روابط بین‌الملل می‌دانند؛ اما آنچه در این نظریات مغفول واقع شده، اصول و مؤلفه‌های سیاست خارجی نظام اسلامی در فقه سیاسی شیعه و بیانات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) است؛ لذا، این پژوهش برای پرکردن این خلأ علمی، درصدد است اصول انتخابی فقه سیاسی در سیاست خارجی نظام اسلامی را معرفی کند.

مبانی نظری پژوهش

فقه سیاسی

فقه را فهم و استنباط مقررات عملی اسلام از منابع و مدارک تفصیلی مربوط به آن، چون قرآن، سنت، اجتماع و عقل تعریف کرده‌اند. تعریف سنتی فقه سیاسی، تمام مباحث سیاسی فقه است؛ مثل خطبه‌های نماز جمعه، دارالسلام، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و دیگر مباحث احکام فقهی که رنگ و بوی سیاست دارد. تعریف جدید فقه سیاسی، که می‌توان بیان کرد، تمامی پاسخهایی است که فقه به سؤلهای سیاسی عصر و زمان فعلی می‌دهد؛ مثلاً دیدگاه فقه درباره

1. Beverly Milton Edwards

انتخابات، تفکیک قوا، مشروعیت و جایگاه دستگاه اجرایی و... همه و همه در محدوده فقه سیاسی است. حال اگر فقه سیاسی را به معنای دوم در نظر بگیریم، شامل نظام سیاسی، فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی می‌شود؛ یعنی همه این مفاهیم در تعریف فقه سیاسی گنجانده شده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷). فقه سیاسی شیعه تقریباً تا دوره مشروطه، بیشتر فقهی فردمحور، محدود و بیان‌کننده احکام شخصی بوده است. با توجه به این فراگرد و تصورات ذهنی پیشین، برخی فقه سیاسی را همچنان گرایش و شاخه‌ای از فقه عمومی می‌دانند و لذا زوایا و ابوابی را فقه سیاسی می‌شناسند که در فقه عمومی به مسائل سیاسی می‌پردازد؛ به این دلیل، آن را به فهم احکام سیاسی مکلفان، تعریف می‌کنند یا عنوانی برای تمام مباحث جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حربه، خراج، فئ، اموال و... می‌دانند که در فقه اسلام مطرح است.

امام خمینی (ره) در تعریف فقه شیعه بیاناتی دارند که عبارت است از: «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه است و فقه در تمام زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی مشکلات اجتماعی سیاسی و فرهنگی است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۲۸۹).

فقه سیاسی در نظر آیت‌الله خامنه‌ای نیز به چند گونه معنا شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. بخشی از فقه است که به امورات سیاسی می‌پردازد: «فقه سیاسی یعنی آن بخشی از فقه که مربوط به اداره سیاسی کشور هست، مسائل اجتماعی و مسائل حکومت و مسائل جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و امثال اینها».

۲. بابتی از ابواب عملی فقه که به اداره زندگی مردم مربوط است: «ما یک‌بار دیگر باید ابواب عملی فقه را که مربوط به اداره زندگی مردم است شروع کنیم، اینها را بحث کنیم؛ چه ابواب معاملات را، چه ابواب سیاسات را».

۳. حکم خدا در باب سیاست: «سیاستمداران اگر خودشان علمای بالله‌اند، علمای دینند، بلکه حکم خدا در باب سیاست می‌دانند».

از آنجا که عرصه فقه سیاسی، جولانگاه مسائل نوپیدا و حوادث واقعه است و تأثیر عنصر زمان و مکان بر احکام در این عرصه بیش از عرصه‌های دیگر فقه است، فقه سیاسی برای پاسخگویی به مسائل مبتلابه، نیازمند اصول و قواعدی کلی و متقن به‌منظور انطباق حوادث واقعه با آن کلیات

است.

از آنجا که ایدئولوژی در سیاست خارجی عامل مهمی به‌شمار می‌رود در سیاست خارجی دولت اسلامی، نقش مکتب اسلام، اصول و ارزشهای برآمده از آن و دیدگاه‌های فقیهان و اندیشمندان اسلامی در این زمینه تعیین‌کننده است. همان‌گونه که ویژگیهای فرهنگی و ایدئولوژیک ممکن است در سیاست خارجی هر کشور تأثیرگذار باشد، هر دولت اسلامی نیز به‌دنبال تحقق ارزشهای مکتبی و توحیدی در چارچوب و اهداف سیاست خارجی خویش است (غفوری، ۱۳۷۸: ۹۱).

سیاست خارجی در اسلام

دین مبین اسلام، مجموعه‌ای کامل از احکام، قواعد و اصولی است که بر پایه و اساس آموزه‌های وحیانی و الهی و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بنا شده است و در راستای هدایت صحیح و جامع بشری در هر زمان و مکانی نقش آفرینی می‌کند. از میان مباحث مختلف فردی و اجتماعی اسلام، تعامل با دیگر کشورها در قالب سیاست خارجی بسیار مهم و با ارزش است. با توجه به این مباحث نظری، لازم است در وهله اول اندیشه‌های فقه سیاسی شیعه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد؛ اما باید دانست که منظور سیاست خارجی در اسلام، فعالیت‌هایی است که حضرت محمد (ص) پیامبر مکرم اسلام به‌عنوان رئیس حکومت اسلامی و نمایندگان و سفرای منتخب ایشان در راه رسیدن به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و همچنین پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های دینی و دولتهای غیرمسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام می‌داده‌اند (موسوی، ۱۳۸۲: ۴۷).

البته بدون تردید سیره پیامبر اعظم اسلام (ص) در زمینه سیاست خارجی، مبتنی بر اساس برخی اصول و بنیانهای نظری برگرفته شده از آیات قرآن کریم شکل گرفت که آشنایی با آنها، می‌تواند به ما در شناخت بهتر شاخصهای سیاست خارجی یاری رساند؛ به عبارت دیگر شناخت ضوابط، معیارها و رفتارهای سیاست خارجی در اسلام با ابتننا بر آموزه‌های قرآن کریم و سیاسی رسول خدا و ائمه اطهار امکانپذیر است و مبنای تبیین و تحلیل الگوهای رفتار اسلامی نیز بر این اساس خواهد بود.

کاربرد اصول فقه سیاسی شیعه در سیاست خارجی نظام اسلامی

با وقوع انقلاب و شکل‌گیری حکومت اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران، فقه سیاسی در ایجاد نگرش و ذهنیت ایرانیان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. رویکرد اسلامی، نه تنها در تکوین انقلاب، بلکه در وجهه انقلابی سیاست خارجی نیز تأثیرگذار بوده. بر این اساس، مسئله مهم و محوری این است که چگونه می‌توان ضمن حفظ موقعیت ملی به وظایف و مسئولیتهای فراملی و اسلامی نیز عمل کرد. برای این منظور ابتدا سعی می‌شود که برخی از اصول بنیادی به شرح ذیل در سیاست خارجی دولت اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

- کاربرد اصل تألیف قلوب در سیاست خارجی

از نظر فقهی تألیف قلوب حمایت اقتصادی مسلمانان و یا کفار توسط پیامبر و یا امام و یا فقیه و دولت اسلامی به منظور جلب آنان برای جهاد و مبارزه و گرایش به اسلام و دفاع از آن است. در این راستا دین اسلام برای تشویق و تقویت ایمان مسلمانان ضعیف‌الایمان و نیز برای جلب کفار به جهاد و مبارزه علیه طاغوت و یا جلب آنان برای شرکت در دفاع از وطن اسلامی، بودجه مالی ویژه‌ای را در نظر گرفته است که اعمال چنین سیاستی در سیاست خارجی تألیف قلوب نامیده می‌شود (شکوری، ۱۳۶۱: ۴۸۹).

اسلام برای ارتباط با کشورهای اسلامی، اصل را بر برادری، همگرایی و وحدت نهاد و منشور برادری را با این آیه شریفه اعلام کرده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»: مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس بین دو برادر خود صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید؛ باشد که مشمول رحمت شوید (حجرات / ۱۰). بر این اساس، یکی از روشهای مؤثر در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدفها و تأمین منافع استفاده از ابزارهای اقتصادی و مالی است. در این راستا دولت استفاده‌کننده از این ابزار تلاش می‌کند که دیگر دولتها و ملتها را به تغییر در سیاستهای خارجی خودشان وادار کند (ابن هشام، ۱۳۴۸: ۱۲۴).

از این اصل فقهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد نهضت‌های آزادیبخش و فکر صدور انقلاب استفاده شده است. اصل پرداخت کمکهای مالی و غیرمالی به منظور جذب برخی کشورها به دولت اسلامی یا تعدیل موضعگیری آنها نسبت به نظام اسلامی و سیاستهای آن، از سوی غالب فقها مورد تأیید است و به اعتقاد برخی از آنها باید یکی از اصول سیاست خارجی اسلام به شمار آید (قزوینی، ۱۳۷۴: ۶۷).

امام خمینی (ره) در پیام خود به جنبش‌های آزادیبخش جهان، حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران جهان تشخیصی می‌دانند که محور آن عقلا نیت ارتباطی و تحقق آن در فکر حزبی جهانی به نام «حزب مستضعفین» به عنوان تجویزی برای آن تشخیص است. یکی از مصداق‌های بارز مظلومان جهان ملت آواره و ستم‌دیده فلسطین است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۱۲۸).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «انقلاب اسلامی برای تحقق برنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسلام در ایران برپا شده است و در عرصه روابط جهانی نیز با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، نظام ظالمانه سلطه را رد و «صلح و امنیت و سعادت همه ملتها» را پیگیری می‌کند و به همین علت نظام سلطه جهانی، ذاتاً با نظام اسلامی، دچار چالش است که این واقعیت را هیچ‌گاه نباید از یاد برد» (دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفیران ج.ا. ایران، ۱۳۸۶/۰۵/۳۰).

نقش مستقیم انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری حزب‌الله لبنان نمونه‌ای از این حمایت است. مارتین کرامر، نویسنده امریکایی در این باره می‌نویسد: «با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، فکر و اندیشه برپایی دولت اسلامی از دید بسیاری از شیعیان لبنان واقعی و حتی ضروری به نظر آمد و با تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ جمعی از روحانیون جوان و پرشور شیعه، که انقلاب اسلامی اندیشه آنان را تسخیر کرده بود، رهسپار دره بقاع شدند و با کمک عناصر اعزامی سپاه پاسداران ایران، که وارد لبنان شده بودند به تصرف پادگان ارتش لبنان مبادرت کردند و هسته اولیه تشکیلات حزب‌الله حاصل پیوند انقلابی شیعیان لبنان و ایران اسلامی است. این پدیده که بتدریج رشد کرد و به جنبش اصولگرای شیعی تبدیل شد، بیشترین تأثیر را در خارج از ایران داشت» (Kramer, 1980: 45).

حزب‌الله بر الگوپذیری و پیوستگی با امام خمینی (ره) تأکید فراوان می‌کند. سید حسن نصرالله می‌گوید: «از نظر ما امام خمینی (ره) مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه است. ایشان نماد و سمبل انقلاب علیه طاغوتها، مستکبران و نظامهای استبدادی است». سید ابراهیم الامین نیز می‌گوید: «ما در روند تصمیم‌گیری سیاسی تنها بر فقیه تکیه داریم. ما از فرامین امام پیروی کرده؛ به جغرافیا اعتقادی نداریم» (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷۵).

در مجموع، تألیف قلوب ابزار مناسبی است که دشمن را به رقیب و رقیب را به دوست تبدیل می‌کند و هم‌چنین می‌تواند موجب افزایش چندجانبه‌گرایی و ائتلاف‌سازی شود؛ کنشگری و کنش‌مندی دولت اسلامی را افزایش می‌دهد و از طریق تبلیغات در سیاست خارجی نقش داشته

است. دیپلماسی عمومی^۱ و اصل صدور انقلاب، نمونه‌هایی است که در سیاست خارجی حضرت امام خمینی (ره) مورد استفاده قرار گرفت. دیپلماسی فرهنگی و دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ها و بهره‌مندی از رسانه‌های ارتباط جمعی برای گسترش فرهنگ ملی خودشان در دیگر جوامع بهره‌گیری می‌کنند و با همسان‌سازی با دیگر ملل و فرهنگ خودشان در ارتقای توان و منافع ملی خودشان سعی می‌کنند.

- کاربرد اصل دعوت در سیاست خارجی

دعوت یعنی درخواست پذیرش اسلام از غیرمسلمان و درخواست‌کننده اصولاً «داعی» نامیده می‌شود و داعی در دعوت خود باید قصد قربت داشته باشد. دعوت راهبردی اول پیامبر (ص) در سیاست بود و متناسب با شرایط زمانی و مکانی صورت می‌گرفت (شیرخانی، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

در رفتار سیاسی مبتنی بر دعوت نکاتی مهم و اصولی هست که اگر بخوبی رعایت شود، دعوت تأثیرگذار است و به دفاع و جنگ نیازی نخواهد بود. خداوند درباره چگونگی دعوت به اسلام به پیامبر (ص) چنین دستور می‌دهد: «أدع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن»: (ای رسول ما خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن (وظیفه تو بیش از این نیست) که البته خدای تو (عاقبت حال) کسانی را که از راه او گمراه شده و آنان را که هدایت یافته‌اند، بهتر می‌داند (نحل/ ۱۲۵).

پیامبر (ص) برای ایجاد امنیت در مدینه با سیاستی فعال از یک سو مانع همسنگی غیرمسلمانان مدینه به قریش شد و از سوی دیگر تلاش کرد تا از آنان که هنوز اسلام نیاورده‌اند به عنوان متحدان خویش در برابر قریش استفاده کند. در آغاز ورود به مدینه، پیامبر (ص) متوجه یهود مدینه شد. یهودیان اگر چه بیطرف بودند، همراهی آنان با مشرکان قریش می‌توانست خطرهای بزرگی را برای امنیت و استقلال حکومت جدیدالتأسیس مدینه به دنبال داشته باشد؛ لذا پیامبر سعی کرد تا از آنان به عنوان متحد با مسلمانان استفاده شود. بنابراین در پیمان‌نامه مدینه عباراتی این گونه مشاهده می‌شود که: «هرکس از یهودیان از ما پیروی کند، نسبت به او نیکی و یاری خواهد شد و با ما در زندگی مساوی خواهد بود و بر آنان ستم نخواهد شد و بر ضد ایشان کسی را یاری نخواهد داد» (چلونگر، ۱۳۹۰: ۸۵).

دولت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی در چارچوب اصل «دعوت»، «صدور انقلاب» را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸)؛ ضمن اینکه، «صدور انقلاب» تلاشی است که هر نظام انقلابی برای گسترش فکر و آرمان انقلابی خود به دیگر کشورها صورت می‌دهد و این موضوع زمانی مطرح می‌شود که آرمان انقلابی تازگی داشته باشد. تلاش فرانسه انقلابی برای گسترش فکر آزادی و ملی‌گرایی به سراسر اروپا و تلاش اتحاد شوروی برای گسترش دیکتاتوری طبقه کارگر به سراسر جهان و تلاش امریکا برای گسترش آزادی و دموکراسی در جهان، نمونه‌هایی از این دست است (نوازنی، ۱۳۸۸: ۵).

در این راستا از همان ابتدا پیام فرامرزی انقلاب اسلامی ایران در قالب «راهبرد صدور انقلاب» با توجه به قانون اساسی و کلام امام خمینی (ره) که فرمودند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۲۰۲). به‌عنوان یک تکلیف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر صدور فرهنگی انقلاب به‌عنوان یک وظیفه تأکید می‌کنند و معتقدند: «صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزشهای انسانی. ما به این کار و این وظیفه افتخار می‌کنیم. این راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۱).

– کاربرد اصل وفای به عهد و عقود در سیاست خارجی

اصل وفای به عهد و پذیرش تعهدات در عمق فطرت انسان ریشه دارد. ویل دورانت می‌گوید: «مذهب به مدد شعائر خود میثاقهای بشری را به‌صورت روابط با مهابت انسان و خدا درآورد و از این راه استحکام و ثبات به‌وجود آورده است» (دورانت، ۱۳۹۲: ۵۵).

در اهمیت پابندی به پیمان، همین بس که قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که تا زمانی که مشرکان به عهد و پیمان خود وفا دارند، وفادار باشند و آغازگر پیمان‌شکنی نباشند. «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ آوَأْتُوا بِالْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»: چگونه با مشرکانی که عهد خدا و رسول شکستند، خدا و رسولش عهد آنان نگه دارند؟ لیکن با آن مشرکان که در مسجدالحرام عهد بسته‌اید تا زمانی که آنها بر عهد خود پایدارند، شما هم عهد آنها را بپایید که خدا متقیان را دوست می‌دارد (توبه/۷).

بر این اساس، یکی از مهمترین معیارهای اسلامی در تنظیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اعتقاد به امت واحد و رعایت اصل امت‌محوری براساس آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا

رَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ» (انبیاء/ ۹۲) تا بتواند به تعهدات برادرانه خویش نسبت به همه مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان عمل کند.

دولت اسلامی براساس این اصل، موظف است به تمام معاهدات و پیمانهای سیاسی و نظامی بسته شده با دیگر جوامع با دیده احترام بنگرد و التزام و پابندی خویش را حفظ کند. در برخی آیات قرآن به طور مطلق به رعایت پیمانها اشاره شده است و برخی دیگر التزام به پیمان را تکلیف و مسئولیت عنوان می کنند. هم چنین برخی آیات ضمن تأکید بر وفای به عهد و التزام به پیمانها پیامدهای زیانبار نقض پیمان را هم گوشزد می کند. اصل وجوب وفای به عهد و التزام به پیمانها مورد اتفاق مفسران است و همگان به وجوب وفای به عهد و حرمت خیانت و غدر در حق مسلمان و غیرمسلمان اذعان کرده اند (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

– کاربرد اصل افزایش توان و قدرت در سیاست خارجی

در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی بر هیچ مسئله سیاسی دیگری نظیر نفی ولایت غیرمسلمانان بر مسلمان تأکید نشده است. این اصلی مهم و حاکم بر سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی با غیرمسلمانان تلقی می شود. التزام به این اصل می تواند راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمانان و ضربه بر استقلال آنان را در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی مسدود نماید (حقیقت، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

خداوند در این آیه بر ثبات قدم تأکید می فرماید؛ چرا که ایستادگی در برابر دشمن مهمترین رمز پیروزی است. در داستان پیکار طالوت فرمانده بزرگ بنی اسرائیل با جالوت می خوانیم که مؤمنان اندکی که با او بودند، هنگامی که در برابر انبوه دشمن قرار گرفتند، چنین گفتند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»: پروردگارا، صبر و استقامت را بر ما بریز و گامهای ما را استوار دار و در برابر قوم کافر یاری فرما (بقره/ ۲۵۰).

حفظ استقلال و تمامیت ارضی و جلوگیری از ولایت غیرمسلمانان بر مسلمانان تحت عنوان نفی سبیل برگرفته از نص سوره نساء آیه ۱۴۱ قرآن کریم است. خداوند در این آیه می فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»: خداوند سبیل و طریقی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است.

مفسران در تفسیر این آیه اقوال مختلفی را ذکر کرده اند؛ بعضی «سبیل» را به مفهوم حجت و دلیل گرفته و آیه را چنین معنا کرده اند: خداوند کافران را با حجتی برتر در مقابل مؤمنان قرار نداده

است. عده‌ای گفته‌اند مقصود از نفی سبیل، نفی سلطه کفار بر مؤمنان در قیامت است. بر این اساس آیه نفی سبیل به‌عنوان اساس روابط خارجی دولت اسلامی مطرح می‌شود و حتی به قول برخی از پژوهشگران بر دیگر آیات حاکم است؛ برای نمونه اگر دولت اسلامی با غیرمسلمانان عهد و پیمانی را منعقد کند به حکم صریح قرآن مبنی بر وجوب وفای به عهد «اوفوا بالعهد» لازم است که دولت اسلامی به میثاق و پیمان منعقدشده پایبند باشد؛ اما اگر این پیمان موجب استیلا سیاسی و نظامی و فرهنگی کفار بر مؤمنان شود، فاقد اعتبار است و از ذیل وجوب وفای به عهد خارج خواهد شد.

از میان فقهای شیعی، بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در برخی موارد ضمن تأکید بر استقلال همه‌جانبه امت اسلامی برای نفی سلطه بیگانگان به این قاعده استدلال کرده‌اند: «قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع شود؛ یک تسلطی، یک راهی، اصلاً یک راه نباید پیدا کند: «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا». اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین و این قدرتهای فاسد... بر مسلمین (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴).

- کاربرد اصل ولایت فقیه در سیاست خارجی

به‌نظر می‌رسد این تعریف اصطلاحی برای «ولایت» بسیار مناسب است: رهبری و اداره امور دینی و دنیوی مردم براساس قوانین الهی برای دستیابی به عدالت و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت که لازمه آن فرمان دادن و فرمان‌پذیری است (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

در نظریه ولایت فقیه، حق حاکمیت و ولایت از آن خداوند متعال است که این حق را به پیامبران و پس از آن به ائمه (ع) واگذار کرده است. در دوره غیبت امامان معصوم (ع) نیز به‌دلیل جامعیت و جاودانگی اسلام و لزوم اجرای احکام و حدود الهی، این حاکمیت از ولایت ائمه به ولایت فقیهان عادل تنزل یافته است و ایشان محور و مدار امور معرفتی، اجتماعی و سیاسی انسانها تلقی می‌شوند. مردم نیز با پذیرش ولایت اولیای الهی در تحقق اهداف این نظام ولایی خواهند کوشید و برای رسیدن به تعالی، سعادت و پیشرفت، تمدنی کمال‌محور را بنیان خواهند نهاد. براساس این دیدگاه، ولایت‌مداری تنها راه نائل‌شدن به پیشرفت در ابعاد مختلف و از آن جمله پیشرفت سیاسی است.

«ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل ندارد؛ مانند جعل (قرار دادن) قیم برای صغار، قیم ملت با قیم صغار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد؛ مثل این است که

امام علیه‌السلام کسی را برای حضانت، حکومت یا منصبی از مناصب تعیین کند. در این موارد، معقول نیست که رسول اکرم (ص) و امام با فقیه فرق داشته باشد (امام خمینی (ره)، ۶۴ - ۶۳). برقراری روابط با امریکا و افریقای جنوبی و مصر و چگونگی ارتباط با حکومت‌هایی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، طی دهه اول انقلاب، تحت عنوان مرتجعان جهان عرب و اسلام و یا به اصطلاح رایج و جاری، «عاملان به اسلام آمریکایی» یا دادن نسبت «خائنان حرمین به جای عنوان خادمان حرمین و شیوخ عربستان یا عناوین شبیه به این نام برده می‌شد، جملگی به اثبات تغییر روش و تصحیح مشی رژیم‌های حاکم بر این کشورها با جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام نیاز دارد که تشخیص این تغییر و تصمیم‌گیری درباره چگونگی ارتباط جمهوری اسلامی ایران با آنها به نظر مقام رهبری نیاز دارد.

- کاربرد اصل مصلحت عمومی در سیاست خارجی

منظور از مصلحت در حکومت اسلامی، منفعتی است که شارع حکیم برای بندگانش خواسته است. این منافع شامل حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال، به ترتیب اولویت است. مصلحت در قالب مفهوم عام مصالح مرسله از تبار و دیرینه تاریخی طولانی نزد اهل سنت برخوردار است؛ این در حالی است که رویکرد شیعی درباره کاربرد مصالح مرسله در حوزه فقه و عمل سیاسی انتقادی است و از این حیث گفتمان مستقلی را عرضه کرده است (ظریف و سجادیه، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

احکام فقهی، دائر مدار مصالح و مفاسد است و به تعبیر واضحتر هر حکم شرعی متضمن رسیدن به مصلحتی یا فرار از مفسده‌ای است. مصالح پنجگانه‌ای که فقها مقصود شرع را رسیدن به آنها دانسته‌اند، عبارت است از: حفظ دین، حفظ نفوس، حفظ عقول، حفظ نسل و حفظ اموال (فهیمی و عربزاده، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

امام خمینی (ره) چگونگی و ساز و کار دستیابی به مصلحت اجتماعی را در برخی موارد به دو سوم اعضای مجلس شورای اسلامی ارجاع داد. این امر به معنای ارجاع به اکثریت قاطع نمایندگان مردم است. در موارد دیگری مجمع تشخیص مصلحت را تشکیل داد که شامل جمعی از اهل حل و عقد و نمایندگان گروه‌های مهم سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در کشور می‌شد. ایشان هم‌چنین برای استفاده از نظر کارشناسان نیز اهمیتی خاص قائل بود که این سیره عملی، منع مصلحت‌سنجی را از عرصه‌ای تک‌ذهنی خارج و به عرصه‌ای جمعی و چندذهنی منتقل می‌کرد.

امام خمینی (ره) در مورد توانایی حکومت اسلامی می‌فرماید: «حکومت، که شعبه‌ای از ولایت

مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرر باشد در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی است، که جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۴۵۲).

– کاربرد اصل تقیه در سیاست خارجی

شیعه در مورد تقیه به دلایل چهارگانه استناد می‌کند. قرآن در آیه «لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء الا ان تتقوا منهم تقاه و یحذرکم الله نفسه»: مؤمنان نباید همکیشان خود را وانهند و با کافران طرح دوستی ریزند و هر کس چنین کند او را از دین خدا بهره‌ای نیست؛ مگر اینکه در حال تقیه باشید و خداوند شما را از کفر این عمل برحذر می‌دارد و شما را از عاقبت این کار می‌ترساند (آل عمران / ۲۸). پس خدای تعالی مطابق این آیه اجازه می‌دهد که مؤمنان هنگام خوف بر جان خود و در مورد تقیه و ترس از شر و آسیب کافران به دوستی آنان تظاهر کنند تا بدین وسیله از خطر برهند. اهمیت تقیه را پیشوایان معصوم ما به حدی دانسته‌اند که آن را سپر و پناهگاه مؤمن معرفی می‌کنند و نه دهم دین را در مراعات تقیه می‌دانند. که همان حفظ اسرار است.

با توجه به مجموع روایات در باب «تقیه» و «کتمان سر و ذم الاذاعه» و قواعدی که به آن استدلال شد، چنین برمی‌آید که این کارها به افراد اختصاص ندارد، بلکه در سطح کلان بویژه در روابط بین جوامع و ملل دیگر با دولت اسلامی کاربردی وسیع دارد. با عنایت کامل به این اصل، چه بسا بیان و افشای تمام اهداف و آرمانها و باورهای دولت اسلامی بویژه در سطح جهان و جوامع دیگر چیزی جز تحریک مخالفان برای ایجاد بحران و نفرت در افکار عمومی ملل دیگر، ثمری نخواهد داشت. فاصله‌ای که امروزه میان مذاهب و فرق اسلامی و نیز ملل مسلمان ایجاد شده است اغلب از ابراز باورهای به حق یا غیرصحیحی نشأت می‌گیرد که فرق یا ملل دیگر آن را بر نمی‌تابند

و نفرت آنان را برمی‌انگیزد؛ حال اینکه حداقل در مذهب شیعه و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام تقيه، رازداری و مدارا، مسلم است و ایشان همواره از برخی شیعیان، که مراعات این امر را نمی‌کردند، شکوه داشته‌اند؛ پس، دولتمردان اسلامی و دیپلماتهای آن در سراسر جهان و یا مبلغان و سخنگویان این نظام به‌عنوان اصلی برای جلب افکار عمومی و کاستن تنشها باید به‌روشی سخن گویند که برای افکار عمومی کاملاً منطقی و قابل دفاع باشد؛ از این رو در بیان مسئولیتهای حاکم و دولت اسلامی، تبیین و به‌کارگیری اصول و حتی واژه‌ها و القاب باید به‌گونه‌ای باشد که به غیر از مسئولیت و رسالتی که هر مسلمانی دارد، برداشت نگردد و به‌عنوان حق و ادعا علیه دیگران مطرح نشود (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

– کاربرد اصل عدالت در سیاست خارجی

از دیدگاه امام خمینی (ره) نیز حکومت اسلامی علاوه بر حمایت از نیازهای مادی، می‌کوشد عدالت اجتماعی را در مقابل اهداف و مقاصد دیگری نیز تعقیب کند. با اینکه اسلام باید دارای تشکیلات اجرائی و سامانه حکومتی با تمام شئون آن باشد، فقیه هیچ‌گاه نمی‌تواند دژ استوار اسلام باشد (چنانکه به دژ محکم پیرامون شهرها تشبیه شده است) مگر اینکه حافظ تمام ابعاد و شئون مختلف اسلام از گسترش عدالت (به‌معنی عام) و اجرای حدود گرفته تا حفظ ثغور کشورهای اسلامی و گرفتن خراج و مالیات و مصرف کردن آن در راه مصالح مسلمانان و تعیین والیان و فرمانداران در نواحی مختلف کشور باشد و اگر چنین نباشد نمی‌توان اسلام را تنها بیان احکام دانست و بس. پس می‌توان گفت که اسلام نظام حکومتی با همه شئون و ابعاد آن است که در این صورت احکام اسلامی همان قوانین آن نظام حکومتی است و در واقع یکی از شئون آن به‌شمار می‌رود، اصولاً مطلوبیت ذاتی ندارد، بلکه وسائل و ادواتی هستند که جهت اجرای صحیح اهداف حکومت اسلامی و گسترش قسط و عدالت در جامعه به کار می‌روند (امام خمینی، بی‌تا: ۴۲).

بر این اساس، حکومت جمهوری اسلامی ایران براساس اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن تأسیس شد (اصل اول قانون اساسی)؛ از این رو، نظام جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به «عدل خدا در خلقت و تشریح» و «قسط و عدل» (اصل دوم قانون اساسی) برای «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» (اصل سوم قانون اساسی) استوار است. یکی از مهمترین وظایف و مسئولیتهای این حکومت اسلامی، «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد... و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» و

«پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه» است (اصل سوم قانون اساسی)؛ با این حال، حاکمیت گفتمان عدالت بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تنها در سطح گفتمانی و نظری باقی نمانده و محدود نشده است، بلکه پیامدها و تأثیرات عملی و رفتاری بسیار مهمی داشته است. مهمترین رفتارهای عدالت‌طلبانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی عبارت است از: صدور انقلاب اسلامی، رویارویی و مبارزه با امریکا، مبارزه با صهیونیسم و رژیم اشغالگر قدس، حمایت از مردم فلسطین، مخالفت و رویارویی با نظام تک‌قطبی و هژمونیک و تلاش برای اصلاح سازمانهای بین‌المللی.

نتیجه‌گیری

پیروزی انقلاب اسلامی و به‌قدرت‌رسیدن اسلام شیعی در ایران و رویارویی فقهای شیعی و جریان اسلامگرا با مسائلی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، کارکردهای مختلفی چون توجه جدی به فقه سیاسی نسبت به گذشته، تحرک بخشی به فقه سیاسی و پررنگ کردن چهره آن، افزودن اجزا و ابعادی به آن، تعمیق شناخت سیاسی در فقه، تقویت قرائت‌های عقلگرایانه از احکام شریعت، برجسته‌سازی ولایت فقیه و حکومت اسلامی، به‌رسمیت شناختن فقه سیاسی به‌عنوان یک رشته علمی، نگاه فلسفی به فقه سیاسی، افزایش نقش حکومت اسلامی در تعیین مصداق‌های احکام شریعت، احیا و برجسته‌سازی جایگاه مصلحت اجتماعی در فقه سیاسی شیعه را به‌دنبال داشته است. از این پس آنچه در دستور کار سیاست خارجی است، اجرای اهداف و برنامه‌های دولت در زمینه داخلی و خارجی در چارچوب احکام اسلامی است. به‌طور خلاصه، منظور از ساز و کارهای سیاست خارجی اسلام، روشها و شیوه‌های دستیابی به اهداف سیاست خارجی اسلام است که با در نظر گرفتن منابع مادی و معنوی قدرت و شرایط محیطی سیاست خارجی اتخاذ می‌شود. دین اسلام برای عملی‌شدن این اهداف از ساز و کارهای متعددی بهره می‌برد که برخی از آنها عبارت است از:

- دعوت به اسلام به‌عنوان اساسی‌ترین راهبرد مکتب تا همه گروه‌های بشری به نهضت جهانی اسلام و امت واحد خداجو پیوندند.

- ایجاد وحدت بین جوامع بشری برای رسیدن به امت و حکومت واحد در سایه قانون الهی

- تفاهم به‌وسیله رسیدن به توافقات نسبی تا راه را برای جامعه واحد بشری هموار کند.

- صلح همراه با قدرت که موجب جلب حمایت دیگران و کمک به کل بشر در جهت رسیدن به آرامش زندگی است.
- ایجاد امنیت از طریق تخفیف فشار دشمنان و کاهش شرارت و شیطنت آنان که راحتی خود را در اسارت و زجر کشی دیگران می‌دانند.
- آمادگی رزمی و تجهیز نظامی کامل برای دستیابی به واکنش سریع و عملیات برتر نظامی به منظور ارباب دشمن
- تألیف قلوب از طریق کمکهای مادی برای جلب تمایل و همکاری کسانی که جز از راه کمکهای مادی نمی‌توان از نیرویشان سود برد و از شرشان در امان ماند.
- سرانجام جهاد به‌عنوان آخرین راه‌حل برای باز کردن راه پیشرفت نهضت جهانشمول اسلام و برداشتن موانع و سد راه‌هایی که دشمنان آزادی بشر و سران کفر و استکبار بر سر راه رهایی انسانها به وجود آورده‌اند.

منابع

- امام خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵)، *حدیث ولایت*، ج ۱: تهران: دفتر مقام معظم رهبری.
- ابراهیمی، شهروز؛ ستوده، علی‌اصغر و شیخون، احسان (۱۳۸۹)، *رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی*، دو فصلنامه دانش سیاسی، س ۶، ش ۲: ۴۲ - ۵.
- ابن‌هشام (۱۳۴۸)، *سیره النبی*، ترجمه سید هاشم رسولی، ج ۲، تهران: اسلامیه.
- ادواردز، بیورلی میلتون (۱۳۸۲)، *سیاست و حکومت در خاورمیانه*، ترجمه رسول افضل، تهران: بشیر علم و ادب.
- اسداللهی، مسعود (۱۳۸۲)، *جنبش حزب‌الله لبنان، گذشته و حال*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا و دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۲)، *الگوهای صدور انقلاب در گفتمانهای سیاست خارجی ایران*، فصلنامه راهبرد، ش ۲۷: ۸۰-۶۱.
- چلونگر، محمدعلی (۱۳۹۰)، *دیپلماسی پیامبر اسلام (ص)*، فصلنامه انقلاب اسلامی، س ۳، ش ۵ - ۶: ۸۱ - ۹۸.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷)، *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*، تهران: سمت.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵)، *اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دورانت، ویل (۱۳۹۲)، *درس‌های تاریخ*، ترجمه محسن خادم، تهران: ققنوس.
- سجادی، سیدعبدالقیوم (۱۳۸۰)، *اصول سیاست خارجی در قرآن*، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۵: ۱۸۲ - ۱۶۹.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱)، *فقه سیاسی اسلام*، قم: بوستان کتاب.
- شیرخانی، علی (۱۳۸۰)، *دعوت، جنگ و صلح در قرآن*، فصلنامه علوم سیاسی، س ۴، ش ۱۵: ۱۹۴ - ۱۸۳.
- طاهری، مهدی (۱۳۹۰)، *ولایت‌مداری در الگوی پیشرفت سیاسی اسلامی - ایرانی*، فصلنامه معرفت سیاسی، س ۳، ش ۶: ۱۳۴ - ۱۰۱.
- ظریف، محمدجواد و سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۳)، *صورت‌بندی گفتمان مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، دو فصلنامه دانش سیاسی، س ۱۰، ش ۲: ۱۴۸ - ۱۰۳.
- علی‌پور، محمود (۱۳۹۳)، *فقه سیاسی و روابط بین‌الملل با تأکید بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷)، *فقه سیاسی*، تهران: امیرکبیر.
- غفوری، محمد (۱۳۷۸)، *اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار پیامبر*، تهران: مهاجر.
- فهیمی، عزیزالله و عربزاده، علی (۱۳۹۱)، *مبانی فقهی حقوق محیط زیست*، پژوهشنامه حقوق اسلامی، س ۱۳، ش ۱: ۲۰۹ - ۱۸۹.

قزوینی، سیدعلی (۱۳۷۴)، بحثی درباره سیاست خارجی اسلام: پژوهشی در بعد فقهی سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، س ۹، ش ۱.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی.

موسوی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران: انتشارات باز.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت امور خارجه.

نوازنی، بهرام (۱۳۸۸)، صدور انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره).

Kramer, Martin "The Ideals of an Islamic State", The Washington Quarterly, Vol. 3, No. 1, Winter 1980.



Fundamental Principles of Political Fiqh in the Foreign Policy of the Islamic Government

Mahdi Sayyad Shirazi *

Farzad Mohammadi **

The Islamic Republic of Iran follows a value system in its foreign policy which are derived from Islamic rules and principles. After the revolution, we have witnessed behavioral and value changes in the foreign policy. These changes were based on the guidelines that Imam Khomeini (RA) proposed in his creeds and orders, messages and recommendations, letters, speeches and interviews at different situations and special times. In other words, after the victory of the Islamic Revolution, Iran's foreign policy tried to transform its principles on the basis of the values of the revolution based on Islam. With the advent of the Islamic Revolution of Iran and the establishment of the Islamic Republic, the movement to the implementation of Islamic law began, and political jurisprudence became dominant in the establishment of the foreign policy and international relations and a path to the national independence was opened from the very beginning. Nowadays, Shiite political jurisprudence is acquiring new experience by the practical and noticeable participation of Faqihs in socio-political affairs. The requirements of the new era after the constitution revolution, especially the formation of the Islamic Republic of Iran, gave this issue a particular importance and made Shiite political jurisprudence face many considerations and questions. Indeed, the main question and final purpose of this research are to explain the applications of the basic principles of political jurisprudence in the foreign policy of the Islamic system through analytical method, and to study the texts that can be studied in the Islamic jurisprudence. The findings indicated that the principles of jurisprudence that can be used as factors affecting the Islamic system, included the principle of drawing people's hearts, expediency, invitation, increasing the capabilities and strength, fidelity to the covenant, Taqiyyeh, Velayat Faqih, and justice.

Jordan's supporting of Iraq cove

Keywords: *political jurisprudence, foreign policy, Islamic system, revolution.*

* Corresponding author: PhD in International Relations, The Supreme National Defense University, Tehran, Iran hirazi1399mehdi@gmail.com

** Master of political sciences, political thought, Hamadan University, Iran farzad_mu@yahoo.com